

خاصی برایشان نمی افتد و باز یگر گویی دوباره از صفر باید وارد کار جدیدی شود به این امید که شاید یک چالش جدیدی برایش داشته باشد. کاش کمی همت کنیم تا این جرقه و موفقیت زودتر برای تک تک بچه‌ها اتفاق بیافتد.

### علی باهری:

#### حیف است که قصه‌های ایرانی را نشناسیم

##### شمارا کمی بیشتر بشناسیم.

من از سال ۸۴ و از کلاس‌های آقای حسین ربیعی وارد دنیای تئاتر شدم و به لطف و شکرانه خدا هر سال یک اثر نمایشی را روی صحنه می‌بریم. با اینکه در سبک‌های دیگر تئاتری نیز فعالیت کرده‌ام اما چند سالی است که تصمیم گرفته‌ام تا تمرکز را بیشتر روی کارهای آیینی سنتی بگذارم. به این جهت که حس کردم توسط خود بچه‌های تئاتر و افرادی که کار فرهنگی می‌کنند نسبت به فرهنگ‌مان اجحاف می‌شود و در واقع این فرهنگ نادیده گرفته می‌شود. تلاش من این بوده که حداقل توجه اطرافیان خودم را دوباره معطوف نمایش‌های ایرانی و آیینی - سنتی کنم. همان نمایش ایرانی که بزرگترین سبک‌ها و شیوه‌های تئاتری دنیا از آن وام و الهام گرفته شده است مثل شیوه فاصله گذاری بر تولد برشت که از تعزیه ایرانی وام گرفته شده است.

**توانایی‌هایی که باز یگر نمایش‌های ایرانی باید داشته باشد چیست؟**

باز یگری نمایش‌های آیینی - سنتی شباهت‌هایی با باز یگری نمایش کودک دارد. از این جهت که اگر در شروع نمایش ریتم و تمپوی نمایش گیرا و جذاب نباشد شما دیگر تا آخر نمایش مخاطب‌تان را از دست داده‌اید و نمی‌توانید او را جذب کنید. لازمه باز یگری در این نوع نمایش‌ها این است که باز یگر ریتم را بسیار خوب بشناسد و بتواند در حد بالا آن را اجرا کند. بر همین اساس اگر دوستانی که نمایش‌های آیینی - سنتی کار کرده‌اند را در سبک‌های دیگر ببینید می‌توانید مطمئن باشید که ریتم را نمی‌اندازد چرا که آشنایی خوبی به ریتم کار دارد و حتی ریتم در سکوت را بسیار خوب می‌شناسد. اما در کنار ریتم باز یگر باید بیش از شخصیت و تیپ سازی روی القای موقعیت به مخاطبش تمرکز کند. اگر موقعیت به درستی به مخاطب القا شود، مخاطب با نمایش همراه شده، خود را در آن موقعیت دیده و با کاراکتر همزاد پنداری می‌کند.

**عضو ثابت یک گروه تئاتری بودن چه مزایا و معایبی به همراه دارد؟**

حقیقتش این موضوعی است که ما بین خودمان گاهی در مورد آن صحبت می‌کنیم و با مروری بر زندگی شغلی افرادی که در زمینه سر یال سازی فعالیت می‌کنند به این نتیجه رسیدیم که اکثر اعضای گروه آنها در تمام پروژه‌ها یکسان هستند. ما هم تصمیم گرفتیم که در همین مسیر پیش برویم چرا که در گذر زمان شناخت اعضا نسبت به یکدیگر بیشتر می‌شود و اعتماد کافی که روی صحنه به خاطر موقعیت‌های ناگهانی و بداهه‌ای که رخ می‌دهد باید نسبت به یکدیگر داشته باشیم را به دست می‌آوریم و این شناخت در نهایت به خلاقیت می‌انجامد. اما تنها عیبی که شاید بتوان به آن اشاره کرد این است که شاید برخی از کارگردانان در پیشنهاد دادن به شما دچار دودلی شوند که به نظر من این مسئله هم به اعتماد به نفس آن کارگردان برمی‌گردد.

### سخن پایانی

ما ایرانیان در شب‌های عید، در شب‌های یلدا و... شعرهای بزرگان مان را می‌خوانیم. حال که ایرانی هستیم و جایگاه والا مقامی در زمینه فرهنگ و ادبیات داریم حیف است که این نمایش که بر اساس یکی از مثنوی‌های عطار نیشابوری است دیده نشود و حیف است که ما این قصه‌های ایرانی مان را نشناسیم. شاید در این روزها و در موقعیت فعلی نتوان چندان کتاب خواند و مطالعه کرد اما با دیدن این نمایش می‌شود هم لحظات سرگرم کننده و مفرحی را تجربه کرد و هم با این قصه‌ها آشنا شد. از مخاطبان عزیز دعوت می‌کنم که به خاطر آقای عطار تشریف بیاورند و کار ما را ببینند.

زحمت کشیده‌اند و این مثنوی زیبا را به یک نمایشنامه جذاب تبدیل کرده‌اند.

#### ورود شما به عرصه باز یگری چگونه بوده است؟

من از سال ۸۷ و از تئاتر مدارس فعالیت تئاتری ام را آغاز کردم و از سال ۹۱ نیز تئاتر را به صورت حرفه‌ای ادامه دادم یعنی گذران زندگی ام از طریق تئاتر بوده است. مقطع تحصیلی ام ارشد باز یگری است اما علاوه بر لیسانس اول که در رشته باز یگری است، لیسانس دومم را در رشته آواز ایرانی تحصیل کرده‌ام. باز یگری همیشه دغدغه زندگی من بوده است و هر چیزی که در کنارش آموخته‌ام حال چه موسیقی باشد یا آواز یا فرا گرفتن و نواختن سازی فقط برای رشد و توسعه باز یگری ام بوده است. در دوران کرونا که تئاتر تعطیل شد در چیه جدیدی برایم باز شد تا به دنیای تصویر، سر یال و شبکه خانگی راه پیدا کنم. دنیایی که شاید پیش از آن وقتی برای حضور در آن نگذاشته بودم و با اینکه تعطیل شدن تئاتر در ایام کرونا روزهای سختی را برای ما که زادگاهمان تئاتر است به همراه داشت اما در عین حال سبب خیریی نیز برای فعالان تئاتری شد تا در عرصه‌های دیگر فعالیت کنند.

**در نمایش‌های ایرانی وقتی که باز یگری می‌خواهد یک نقش جدی را بازی کند و در آن فضای پر شور و پر از موقعیت‌های طنز بار درام و تراژدی داستان را به دوش بکشد با سختی و چالش‌های متفاوتی روبروست در این زمینه بگویید.**

حقیقتش خاتون برای من یک کاراکتری بسیار معصوم بود که در طول دوران باز یگری ام تجربه بازی در چنین کاراکتری را نداشتم. خاتون نمایش آقای طربی نقشی متفاوت و انگار یافته‌ای جدا یافته است و همین مسئله جذابیت این کاراکتر را برای من چند برابر می‌کند. از طرفی واقعا در موقعیتی که تمام باز یگران حرکات کمدی دارند، موقعیت طنز است و مخاطب نیز می‌خندد بسیار سخت است که باز یگر جدیت نقش خود را حفظ کند اما جذابیت و چالش نقش خاتون برای من همین است. نکته دیگر این که قصه ریاضت کشیدن خاتون و رسیدنش به کمال بسیار تلخ و دردناک است که ما آن را با یک زبان طنز و کمدی مطرح می‌کنیم و فکر می‌کنم بعد از علاقه شخصی ام به عطار نیشابوری یکی از دلایلی که باعث شد جذب این نمایش شوم همین چالش‌هایی است که نقش خاتون برای من ایجاد می‌کند. اینکه در قالب خاص کاراکتر باقی بمانم و تحت تاثیر بازی کاراکترهای دیگر قرار نگیرم.

#### از تجربه همکاری با آقای طربی و گروه‌شان بگویید.

آقای طربی تفکر جذابی داشتند و زمانی که با هم صحبت کردیم دیدم که بار علمی و دانش بالایی دارند. از طرفی این گروه، گروه بسیار دوست داشتنی و بدون حاشیه‌ای است و به همین علت در پشت صحنه آن آرامشی که روی صحنه نیاز داریم وجود دارد. آرامشی که متأسفانه در برخی از گروه‌ها وجود ندارد و نبودش بر نمایشی که روی صحنه اجرا می‌شود تاثیر می‌گذارد. خوشبختانه در این گروه همکاری من دنبال حاشیه نیستند و می‌خواهند که یک کار حرفه‌ای انجام بدهند و این خود از جذابیت‌های دیگر همکاری با این گروه نمایشی است.

### سخن پایانی

کاش دوستان کارگردان ما به خصوص کارگردانان تصویر بیشتر به آثار تئاتری و باز یگران تئاتر اهمیت بدهند. نمی‌خواهم بگویم که باز یگران تئاتری خیلی بهتر از باز یگرانی هستند که از طریق کلاس‌های آموزشی وارد سینما می‌شوند ولی تمام بچه‌های تئاتر زحمت می‌کشند برای اینکه بالاخره روزی دیده شوند، ارتقای شغلی پیدا کنند و کارهای بهتری انجام بدهند اما من متأسفانه هنوز کارگردان به نامی را ندیده‌ام که وقت بگذارد و بگردد تا باز یگرش را پیدا کند. همه چیز در معرفی باز یگران به این کارگردان‌ها خلاصه شده است و این مسئله فردا در دلش رسد و دل شکسته می‌کند. نه تنها این مسئله بلکه تمام آن جشنواره‌هایی که باز یگران تئاتر در آن جایزه می‌گیرند و هیچ اتفاقی را رقم نمی‌زند و این باعث می‌شود که باز یگران هر روز افسرده تر شوند. همینطور نمایش‌هایی که پس از ۳۰ شب تمام اجرای شان هیچ اتفاق

بر گرفته از داستان زن پارسا از عطار نیشابوری است و من هم تا آنجایی که توانستم سعی کردم به ابجدی از این داستان بپردازم که برای مخاطب امروز قابل درک تر باشد. مثل بحث خیانت با حسد و رزی عشاق اما همان گونه که شما می‌فرمایید متن‌هایی که امروز با آن مواجهیم متن‌هایی نیستند که بتوانند مخاطب را آنگونه که باید جذب اثر کنند. در این متن اما زبری که استاد فتحعلی بیگی این بوده است که یک متن و داستان بسیار تلخ را تبدیل به اثری شادی آور کرده تا مخاطب هم بتواند با آن ارتباط برقرار کند. متأسفانه نویسنده‌های زیادی نیز در این زمینه فعالیت نمی‌کنند و بیشتر به سمت آثار و نمایش‌های تفکر محور می‌روند و از سادگی نمایش‌های ایرانی چندان استفاده نمی‌کنند. فکر می‌کنم یکی از کارهایی که می‌تواند مانع افت مخاطب نمایش‌های ایرانی شود نوشتن متن‌های به روز است که متأسفانه ما هنوز در این زمینه به روز نشده‌ایم. اینکه نویسنده‌های باید و متن‌های ایرانی در سبک نمایش ایرانی بنویسد چرا که امروزه دیگر متن‌هایی که دیو داشته و یا افسانه‌ای باشند برای مخاطب چندان جذاب نخواهند بود. استاد داوود فتحعلی بیگی در حال حاضر جزو معدود افرادی هستند که خیلی به روز در زمینه متن‌های نمایش‌های ایرانی کار می‌کنند. اما همانگونه که گفتید در نمایش‌های ایرانی با متن‌های بسیار ساده‌ای مواجه هستیم و این یکی از ضعف‌های بزرگ این نوع آثار نمایشی است.

**خواستار و مطالبه هنرمندان نمایش‌های ایرانی از مدیران تئاتر کشور چیست؟**

فکر می‌کنم که باید به نمایش‌های ایرانی بیشتر توجه و سالن‌های بیشتری در اختیارش گذاشته شود. امروز وقتی برای اجرای یک نمایش ایرانی به سراغ سالنی می‌رویم تماشاخانه سنگلج را به ما پیشنهاد می‌کنند خوشبختانه خانم مقتدی، مدیر یت محترم تماشاخانه سنگلج و همکارانش صمیمانه با گروه‌های تئاتری همکاری می‌کنند که جای تشکر ویژه دارد اما مگر این سالن چقدر ظرفیت دارد و در طول سال چند نمایش ایرانی را می‌تواند در معرض دید مردم بگذارد! بنابراین باید سالن‌های بیشتری در اختیار نمایش ایرانی قرار بگیرد تا بتوانیم مخاطب را جذب کنیم.

تماشاخانه سنگلج دو نوع مخاطب دارد یکی مخاطبی که به صورت خانوادگی برای دیدن نمایش می‌آیند و نگاه‌شان به تئاتر بیشتر جنبه سرگرمی دارد و گروه دوم مخاطبان خاص و تئاتری که می‌آیند تا اتفاقات خاصی را روی صحنه نمایش ببینند و نمایش نباید برای آنها خیلی ساده باشد بلکه باید چیز جدیدی برای گفتن داشته باشد. متأسفانه مرکز هنرهای نمایشی در زمینه حمایت از باز یگران و حمایت‌های تبلیغاتی که باعث بیشتر دیده شدن آثار نمایشی می‌شود ضعیف عمل می‌کند. از سوی دیگر ما استادان بسیار کمی داریم که بخواهند و بتوانند این سبک نمایشی را به هنرمندان جوان آموزش بدهند. در این میان اساتیدی مثل آقای فتحعلی بیگی و چند نفر از عزیزان دیگر که بسیار فعال هستند، واقعا زحمت می‌کشند اما کسی نیست که از این عزیزان حمایت خاصی بکند تا این عزیزان بتوانند این نوع سبک تئاتری را گسترش دهند. می‌دانم که آقای نیلی این روزها خیلی زحمت می‌کشند و توجه خاصی به جوانان در عرصه تئاتر دارند اما می‌خواهم که یک نگاه ویژه‌ای به این سبک نمایشی داشته باشند و از هنرمندانی که در این سبک تئاتری فعالیت می‌کنند بیشتر حمایت کنند.

### آرزو کریمی‌زند:

#### خاتون تافته‌ای جدا بافته است

##### از ورودتان به این گروه تئاتری و همکاری‌تان بگویید.

حقیقتش آنقدر دنیای تئاتر، دنیایی کوچک و خانوادگی است که همه بچه‌های تئاتر یکدیگر را می‌شناسند. من هم با آقای طربی در جشنواره استانی آشنا شدم و ایشان متن را برایم فرستادند و در مورد آن بسیار صحبت کردیم اما علاوه بر خود داستان کاراکتر خاتون برای من بسیار جذاب بود. یکی از جذابیت‌های این کاراکتر این بود که قصه برگرفته از مثنوی عطار نیشابوری است و من شخصا عطار نیشابوری را بسیار دوست دارم. زمانی که مثنوی زن پارسا را می‌خوانید متوجه زیبایی آن می‌شوید علاوه بر اینکه استاد فتحعلی بیگی نیز